

و آن نظر دولت است که خبیلی مذاکره دارد در امر انتخابات ولی چون میدانم این مسئله مسئله نبست که در يك جلسه تمام بشود و البته باید این مذاکرات تماماً شده باشد و تقریباً آن مطالیبکه باید گفته شود گفته شود و از هر دو طرف دفاع شود و زمینه واضح تر و مهیا شده باشد و آنوقت يك جلسه که و در اعیان پند عقیده شان را اظهار بدارند آن وقت خوبتر میتوانیم نتیجه بگیریم ولی اگر مذاکرات را حالا ختم کنیم با آنها باید يك روز دیگر شروع کنیم از اول این مذاکرات در حالیکه امروز نصف وقت مجلس بلکه پیشتر را صرف این مذاکرات کرده ایم و یا بتوانیم امروز مذاکرات امان را تمام کرده باشیم تا اینکه آن روزی که وزراء اینجا تشریف یا اورند دو مرتبه از سر شروع نشود و این دو عقیده کدر مجلس شورای ملی اظهار شد گمان میکنم که این دو عقیده هیچکدام باهم متباین نمیباشد و در مجلس فرق مختلفه که هست و همچنین اشخاصیکه هنوز خودشان را معرفی نکرده اند به تصویب يك فرقه همین طور که گفته شد تمام در مرآشان انتخاب بطور مستقیم و یک درجه بوده است و چیزی که هست نظر ایکه ییدا شده امروز بواسطه هوادر و چیز هائی است که نظرات خارجی و غرض است و نصور میکنم که اگر این نظرات غرض خارجی تشریح شود و موافع رفع شود تمام کسانی که مدافعت میکنند امروز از یک درجه آنها هم همراه خواهند شد بایک درجه برای اینکه رفع بعضی موافع شده باشد و جلو گیری از بعضی عوارض که اذهان را مشوپ کرده است باید این را تشریح کرد که از مجلس بگذرانند بایک اطمینانی بتعام بازار دنیا به محل نظارت عالم بگذارند و بهمه نشان بدene که این قانونی که از مجلس گذشته است منطقی است و قانونی است و موافق مقتضیات وقت است این نظر از چه راه پیدا شده است از این راه که مجلس شورای ملی در این دو ساله خودش متکفل در امور مملکت بود و غیر از نظر اعضاء مجلس شورای ملی نظری دیگر در قانون نمیشد ولی آن اساساً مشروطیت و آنکه حقیقت مشروطیت است باین ترتیب ناقص است باید بطریق مشروطیتی که در تمام عالم هست مشی کرد و بفلسفه مشروطیت رفتار کرد تا اطاق و کلامان هم اطاق و کلامی عمومی بود وهم اطاق سناین دو سال مشروطیت که باید بواسطه این دو سال بایک سرعت سریع رو به ترقی حرکت کنیم در این دوره يك بالش شکته بود و چون باید این هر دونظر در قوانین مراحت شده باشد عقیده غالب این است که باید نظرات در قوانین هم مجتمع شده باشد از این وجهت عقیده شان این است که اشخاص عالم بصری باید در مجلس شورای ملی انتخاب شده باشد تا وقتیکه قوانین بگذرد و صحیح بگذرد ولی اگر بطریق مشروطیت حرکت کرده بودیم و بعد بکنیم یعنی آنطوری که قانون اساسی ما و قانون اساسی تمام دنیا حکم می کند و آنطوری که فلسفه مشروطیت در هم جا باییان خبیلی واضح بیان نمود که مشروطیت دو بال دارد که باید بآن دو بال سیر بکند یکی اطاق و کلام و یکی اطاق سنای برای اینکه قوانین که در این اطاق وضع شد بآن اطاق برود آنها هم نظراتی که دارند بگذند و بعد برگردانند و اصلاحی اگر وارد شود و بعد از آنکه دونظر در آن ملحوظ نشد و متفق عنبه شد در خارج

حقیقت سلطنت ملی چیست البتہ حقیقت سلطنت ملی
چنانچه مکرر اینجاهم گفته شد مداخله ملت است داده امور مملکت و انتخاب و کلامیکه ملت با آن
اطمینان داشته باشد تا آنها در یک جا جمیع شده اند
حقوق ملت مدافعت کنند و طبیعی است که آنکه
باشد نماینده ملت گفت که حقیقتاً نماینده ملت باشد
یعنی ملت با کمال اطمینان و با یک حساب طبیعی
آنها انتخاب کرده باشند بدون یک مداخله خارجی
و بعضی ترتیبات دیگر و اطمینان خودشان را نسبت
به آنها اظهار کرده باشند یعنی آن هارامستقیماً کیم
خودشان قرار داده باشند و البتہ آن مجلس شورای ملی و آن و کلامیکه از طرف ملت مستقیماً انتخاب شده‌اند آنها مبتوانند با کمال جدیت و استقامت
با یک اطمینان کلیه همیشه در امور هیئت اجتماعی
مداخله کنند و با یک اطمینانی قانون وضع کنند
چونکه از طرف اکثریت انتخاب شده‌اند و مولک خودشان را در پشتسر خودشان مبینند و باتکا
به آنها اقدامات می‌کنند و بدون ملاحظه در عقبده اظهارات خودشان تابت‌هستند این شباهه ندارد ولی
چیزی که هست که اسباب توهمند و موافق است
که در نظر اشخاص اصلاح خواه یک عقیده و سند
است که نمی‌توانند موفق بشوند و باین مقصوده‌اند
بر سند آن موانع را باید دید که چیست بهتر از یا
آقای معزز الملک در بیان موانع یافای نمی‌شود
موانع را تمام بطور مفصل و مشروح بیان کردندا
باید دید که این موانع از کجا آمده است غالب آن
موانع استحسانی است دو تای آنها اساسی است یکی
از آن موانع که خوبی بنظر اساسی می‌آید و منطقه
است اینست که یک اطاق و کلاه و قبکه بناشد اداره
امور مملکتی را بدهست بگیرند و تأمین کنند سعادت
آتبه مملکت را بدیهی است باید کسانی باشند که داده
امور مملکت بصیر باشند تا بواسطه مداخله آن هاد
امور مملکت یا اسباب تزلزلی برای سعادت آن
ملک فراهم نشده باشد و بواسطه جهالتی که آن در اداره کردن دارند خطای در قوانین نشده باشد
و چون مستقیماً مجلس شورای ملی در این دو سه
متکلف امور مملکت بوده از روی این نقطه نظر
می‌فرمایند که آن طور اشخاص در این جا با
به عضویت مجلس شورای ملی انتخاب بشوند و با
خوبی سعی کنیم کاشخاصی باشند که بتوانند قوانین
که بگویند در مجلس یک فرقه اینطور می‌گوید و
فرقه آن طور بنده مجبورم که توضیح بدhem
مقصود آقای متین السلطنه دوشق بوده و دو فر
به بوده است که دیگرسوء تفاهمی حاصل نشود بر
اینکه بنده عقاید فرقه عرض نگردم و عقاید شخصی
عرض کردم .

مهقیون السلطنه — بندهم تصدیق می‌کنم
فرمایش آقای معزز الملک را که مقصد بنده هم
دو فرقه دوشق بوده است و در اینخصوص هیچ دلیل
بهتر از این نیست که تمام فرق سیاسی که داریم از
انتخابات مستقیم را قائل هستند

حاج آقا — بنده اگرچه تصدیق دارم
این مذاکرات بدون حضور وزراء تمام نمی‌شود
اگر هم تمام شود مایک نظریات بزرگی را از داده
داده ایم که باید آن نظریات رادر دست داشته باشد

نایب رئیس — داخل شور قانون انتخابات
می‌شون آقای متین السلطنه با اظهارات آقای بهجت
مخالف هستند .

مهقیون السلطنه — بنده با اظهارات آقای
بهجت مخالف هستم ولی اجازه می‌خواهم که دلایل
خود را عرض کنم و امروز همین قدر بطور
اختصار عرض می‌کنم که کمیسیون انتخابات چهار
ماه است انتخاب شده و در آنجا یاره مذاکرات
کردۀ ایم آنچه تصور بفرمائید دلائل بر محسنات
انتخاب یک درجه یا مخالف محسنات یک درجه در
کمیسیون آورده شده است و بهتر از این که
امروز آقای معزز الملک دلایل و نکات دو درجه را
بیان فرمودند گمان می‌کنم بهتر گفته شود از طرف
آزادی که بعد درجه فائبلند و اظهاراتی هم که
آقای بهجت و حاج شیخ اسدالله کردند گمان می‌کنم
نظر بتصریح که در چهار ماهه کمیسیون خودمان
که هم در این مجلس مذاکره بشود و مداومت بکند
یک روز و دوروز و ده روز هم ختم نشود و نظرات
تا زده هم از برای هریک از دو فرقه که معتقد بیکی
از این دو طریقه هستند تولید نخواهد شد و امتحانی
که در کمیسیون کردۀ ایم این است که آفایانیکه
معتقد یک درجه هستند و همچنین آفایانیکه معتقد
با انتخاب دو درجه هستند بپیچوچه ممکن نیست که
یک درجه متقاعد بعقیده دیگری بشوند یا بالعکس
برای اینکه نظرات دیگری داخل در عقبده کمیسیون
 بشود که زودتر تقدیم مجلس بشود بنده لازم میدانم
که وزراء حاضر بشوند برای این که در این مدت که
مادر کمیسیون بودیم خوبی کمتر داخل کمیسیون
شده‌اند و برای اینست که شاید نظریات آنها که از
حدود مختلفه ایران اطلاع و نظر دارند بلکه
بتوانند در نظریات کمیسیون یک نظر تازه داخل
بکند که آنها را متقاعد بکند و مذاکراتیکه
ممکن است در ده یا بیست روز بشود دو روز یا سه
روز بشود پس اگر این تقاضای بنده را تبدیل نمود
که امروز مذاکرات را ختم بکند و آقایان وزراء
را خبر گفته که برای جلسه آتبه حاضر شوند و در
اینبلاب مذاکره شود گمان می‌کنم که گذشتن این
امر را در مجلس تسهیل بکند .

نایب رئیس — خوب حالا با این پیشنهاد آیا
مخالفی هست یا خیر . (اظهار شد مخالف هست)

معزز الملک — بنده توضیح دارم .

نایب رئیس — توضیح اگر لازم باشد باید
خودشان بدھند .

معزز الملک — بنده اگر اجازه بفرمائید
عرض می‌کنم .

نایب رئیس — بنده نمی‌توانم اجازه بدهم .

معزز الملک — سوء نسبتی بنده داده شده
و آن این است که در ضمن نطقشان فرمودند کسانی
که عقائد دو فرقه را بیان می‌کنند و بنده عرایضی
که سردم هیچ عقاید فرقه هیث و بنده داخل
هیچ فرقه نیستم فقط عقاید شخصی بود و
محض این که در خارج سوء تفاهمی نشود که

را هم ینده تصدیق ندارم البتہ ممکن است که در انتخابات یکدروجه هم بعضی اشکالات پیش بیاید ولی وقتکه قانون انتخابات را وضع میکنیم باید طوری ترتیب هشت نظار و تشکیل آنها را مبنی بر این اشخاصی که مخواهند موقتی در اساس حکومت ملی بینند دستشان کوتاه شود ولی اینرا هم باید بدانیم که ترتیبی را که قرار بدهیم وقتکه عملیات پشت پندش باشد هیچ پیش نخواهد رفت و این وظیفه ملت است که بداند اینکار بنای اصلی سعادت آتبه او است و باید چشم و گوش خودشان را باز کنند که اشخاص نایاب را انتخاب نکنند و بینلا بمردمنا اهل شوند و بالاخره از وظیفه ملت و وظیفه حکام و وظیفه وزارئی که در آنوقت مخواهند بود این است که موظبت و مراقبت تمام بگیرند و نگذارند بعضی ترتیبات پیش باید ماهم باید ملت خودمان را امنانی بگیریم که اشخاص صحیح را انتخاب بگیرند در مجتمع عمومی و در مساجد برویم مردم را بادآوری بگیریم که اشخاصی را که بدرد آتبه‌تان میخورد انتخاب نکنید ولی باید تمام این اشکالات را از برای انتخاب متنقیم بگیریم و این دلایلی که بعقیده بندۀ مکرر است و این را هم که اکثریت حجت نیست آمان نمیکنم که هیچکس نتواند منکر بشود چیزی که هست این است که در انتخاب متنقیم اشکالاتی هست و آن اشکالات و صعوبت را هم باید رفع کرد برای اینکه خود انتخابات مستقیماً اشرف است از آن صعوبت یعنی ما اگر واقعاً میخواهیم نمایش اکثریت ملت را در پارلمان بدهیم باید بیک مدتی زحمت بگشیم از برای اینکه باین مقصود خودمان برسیم برای اینکه ترتیب انتخابات مستقیم هر قدر هم که سخت و پر زحمت باشد از گرفتن مشروطیت پر زحمت تر که نسبت خبلی محل تعجب است خودتان که البته بوده اید و دیده اید تاریخ ایران هم که خبلی دیر نشده است یعنی ممکن است کما برای گرفتن مشروطیت جان بدهیم ولی برای آسایش و راحت خودمان اساس آن را بروی پک ترتیب غلطی بگذاریم بندۀ عرض میکنم که اگر ما یک سال زحمت بگشیم و یک مجلس شورای ملی داشته باشیم که نمایش اکثریت ملت باشد و اکثریت ملت آن را نماینده خودش بدانند و قانون را که وضع میکنند دو اینجا از روی میل آن را قبول بگیرند بهتر است از این که برای سهولت کاریک ترتیب غلطی قرار بدهیم که نمایش اکثریت ملت را نمیدهد و در آتبه هم تولد اشکال خواهد کرد پس بندۀ باین دلایلی که عرض کردم با انتخابات غیرمستقیم و دو درجه مخالفم و تقاضا میکنم که در همان پیشنهاد بندۀ رأی گرفته شود و این مطلب چندان اهمیت ندارد.

فایل رئیس - کافی است از وزارت خارجه رسیده است قرائت میشود (کافی مذبور بعارت ذیل قرائت شد) مجلس شورای ملی بعوجب این مشروطه آفای مقتدرالملک را بست معاونت رسمی وزارت امور خارجه معرفی نمایند (محتمل اطاعه).

توسط کفرافس درج در جرائد پژوهیت و تعلیمی یک نفر فیلسوف عقیده خوش را در بین مردم نشر بدهد و الا ممکن نیست که بغير این ترتیب یک اقدامی بگند این یک چیز واضحی است و هیچ دلیل هم لازم ندارد که در حکومت ملی امورات باید بتصویب اکثریت پیشترت بگند یک اشکال هم در انتخابات یکدروجه بنظر میسد و آن اینست که میترسم که نماینده گسانی که باید در آنده بیانند و مجلس را افتتاح بگیرند آمدشان طول بگشند و واپسکه تابحال که طول میگشید حقش این بود که فقط درجه‌هار پنج نقطه یا حوزه انتخابیه داشتیم و حوزه انتخابیه آذربایجان مثلًا مجبور بود که وکلاء جزو را هم بخواهد تا اینکه حضور آنها از بین منتخبین درجه اول نماینده معین بگند و باین واسطه طول میگشید و حالا وقتکه یکدروجه باشد و نقاط از هم مجزا شد ممکن است خوی سلام ارومی و سایر نقاط و همینطور خراسان سیستان هر کدام یک حوزه انتخابیه تشکیل بدهند و نماینده گان خودشان را معین بگیرند یک چیزی که بنظر بندۀ رسید و خبلی اهمیت داشت و حقیقتاً من خیلی موحش بودم و یکاناتکه کردند کمان میکنم اگر آفای وزیر داخله در اینچنان‌شیریف میداشتند خبلی خوب بود که رفع آن اشکال آفای مفرز‌السلط میشد و رفع آنهم بعقیده بندۀ باین میشود که ما حکام را بیک مسئولیت فوق العاده بدهیم برای تشکیل هشت نظار و اعلان انتخابات که زودتر نماینده گان حاضر شوند اینکه چندان اشکالی ندارد اما اینکه بعضی اشکالات میشود که در انتخابات مستقیم طول خواهد کشید و در غیر مستقیم طول نخواهد کشید و میگویند اگر ما خواسته باشیم یکدروجه قرار بدهیم باید بهره‌کوره صندوق رای بفرستیم بندۀ عرض میکنم این اشتباه است برای اینکه همان ترتیبی را که شما در انتخابات دو درجه معمول میدارید ما هم در دو درجه همان طرز رفتار میکنیم نهایت اکثریت را شرط قرار می‌دهیم مثلاً در انتخابات دو درجه که هر صد هزار نفر را حق انتخاب یکنفر نماینده داده اند در اینجا میگوییم که هر ده هزار یا هر هفت هزار نفر باید یکنفر و کل انتخاب بگیرند دو دران صورت هم نه اینست که بگوییم هشت نظار نمایندگان متعقد بشود یا اینکه حوزه انتخابیه تشکیل نگیرند بلکه همان‌طور حوزه انتخابیه و هشت نظار تشکیل میشود و همان هایی را که در نقاط انتخاب کرده اند میخواهند و میبینند که اکثریت بکی تعلق گرفته است هر کس را که دیدند اکثریت دارند همان نماینده خواهد بود مثلاً فرض میکنیم که سه نقطه برای انتخابات قرار دادید یاده نقطه یا پنج نقطه هرچه هست قرار دادیم بهشت نظار آن نقاط را معین میکنیم و در اطراف که منتخبین رای خودشان را دادند هشت نظار صورت ایشان را میخواهد و عده آزاد در حوزه خوانده میشود هر کس که اکثریت بیندازد همان نماینده خواهد بود و اینکه میفرمایند در این ترتیب بعضی تقلبات و بعضی آنچه که هامیشود عقیده ایست اینها مشترک المورد است ممکن است در دو درجه هم نشده است دارای مسلک نشده است فرضیه ای نشده است و خبط رفته است فرضیه ای که صحیح باشند میگویند بتووجه فرضیه ایکر بگویند انتخاب یک درجه اسباب این میشود که اشخاص بیعلم و کل میشوند میگویند بتووجه فرضیه ایکر بگویند انتخاب یک درجه ای این میشود که اشخاص دیگر ناگزین فرمایشات آفای معزز الملک و اشخاص دیگر نیستند این عقیده شخص بندۀ است و در ترتیب اساس مشروطیت است و چیزهایی است که بعقل خود رسیده ممکن نیست که فلاں ذیل بگویند مردم خطأ کردن خبلی خوب خطأ کردن این دلیل این نمیشود برای اینکه انتخابات دو درجه باشد بلکه ممکن است به

درجه هم می شناسند اگر نمی شناسند در انتخاب دو درجه هم نمی شناسند چطور می شود که در انتخاب يك درجه مردمان لایق را نمی شناسند و در انتخاب دو درجه می شناسند اگر در انتخاب دو درجه هم مردمان لایق را انتخاب نخواهند کرد در انتخاب يك درجه هم مردمان لایق را انتخاب نخواهند کرد آخراين هیچ فرق نمی کند بجهت اینکه انتخاب دو درجه هم در همین انتخاب يك درجه پیرون مباید همین منتخبین درجه اول هستند که درجه دوم ازین آنها انتخاب می شوند از جای دیگر که نمی آورند اگر در این منتخبین درجه اول لایق هستند در انتخاب درجه ثانی هم لایق هستند اگر منتخبین درجه اول لایق نیستند منتخبین درجه ثانی هم لایق نیستند بعلاوه چون در اوقاتی که انتخاب دو درجه شداز منتخبین درجه اول يك دسته مخصوص بر گزینده می شوند این خبر از خیار می شود اگر منتخبین درجه اول ماقابل شدند منتخبین درجه دوم ماقابلتر می شوند اگر مردم انتخاب اشخاص صحیع نخواهند بگزینند در درجه اول اشخاص صحیع را انتخاب کنند والا در انتخاب درجه ثانی هزار قسم تقلب ممکن است بشود مثلاً بنده بار فیلم جفت بنده کردیم بعضی از آن ناقابل هارا داخل کردیم اگر چه عقبه بنده برخلاف این است و همچه ام این است که در یک درجه دو درجه همهاش مردمان لایق انتخاب می شوند لکن اگر بگویند در انتخاب يك درجه مردمان لایق انتخاب می شوند بنده هم میگویم که در دو درجه اشخاص لایق انتخاب نمی شوند و این معاوضه بعنی است و حال اینکه بنده عرض میکنم در انتخاب يك درجه آنها درست انتخاب کردن در دو درجه بنده خودم را اینجا طبیانم باین مجلس و خودم را عرض میکنم کاری بدیگر ان ندارم يك دلیل دیگر هم میگویند آفایان از برای من انتخاب دو درجه و آن ایستاده میفرمایند در انتخاب يك درجه بعضی اشخاص متنفذ انتخاب می شوند چون ایشان بهمین لغزان تقدیر فرمودند بنده هم متنفذ میگویم فرمودند شاید بعضی متنفذین داخل شوند که در دو درجه شاید قبلاً بطور شاید فرمودند بطور یقین فرمودند بنده هم عرض میکنم این شاید در آنطرف هم مباید اگر حفظ باحتمال و شاید است شاید در دو درجه بعضی متنفذین داخل شوند چهش این است که این متنفذین در درجه اول که داخل شدند و در درجه دوم هم تقلب میگزینند و داخل می شوند پس اینهم يك دلیل قطعی نبود فقط شاید بود آفایان باید يك دلیل قطعی بیاورند که بنده هم قائم شوم که در انتخابات دو درجه قطعاً يك نفر شخص متنفذ داشل نخواهد شد ولی چون دلیل قاطعی ندارد و از این حیث با انتخاب يك درجه مساوی است بعلاوه انتخاب يك درجه نسبت مشروطیت هم نزدیکتر است این يك مرجعی می شود برای انتخاب يك درجه و دو چیز مساوی هر کدام يك مرجعی دارد باید او را گرفته و در اینجا چون انتخاب يك درجه یک عدد نزدیک شدن مشروطیت است باید البته این را قبول کرد و فرمودند که محرومیت بعضی و عدم شرارت بعضی در انتخاب يك درجه می شود ولی در دو درجه نمی شود این را باید بنده تشریح کنم برای اینکه

النخاب شده اند واو را حاضر بگنیم در تلگراف خانه که رأی خودش را بدهد و باید با اطلاع بدھیم که مثلاً در تبریز منتخبین درجه اول حاضر شده اند عده آن ها چهل نفر است مثلاً از ارومیه چند نفر اسامی آن ها چیست از خوی و سلماس همین طور از سایر نقاط عدد اسامی آن هارا با اطلاع بدھیم و بگوئیم شا ازین اینها کدام هارا انتخاب میکنند آنکه آن وقت ممکن است يك تلگرافی بگزیند که من اینها را نمی شناسم خوب است آن ها را تلگرافی معرفی بگزیند آن وقت بنده که یکی از آن منتخبین درجه اول هستم و ناید باو رفاقت و دوستی دارم رفاقتی خودم را و آن ها که از همه نالایق ترند آن هارا معرفی میکنیم و میگوئیم اینها خیلی خوب هستند واو هم آن هارا انتخاب میگزیند یعنی با آن ها رأی مبدهد حالا علاوه بر اینکه خود این ترتیب اسباب يك تقلب ممکن است بشود بعلاوه این تباين افکار و آراء تلگرافی یاخارج ایران آمدن و کلای از خارج ایران آن ها خیلی بیشتر طول میگذند از این که از داخل ایران بمرکز خود مملکت یعنی بطرابوران جمع شوند نمیدانم چرا آن انتخاب دو درجه خوش بخت شد اسباب سهولت و سرعت افتتاح مجلس می شود اما این انتخاب يك درجه بدیخت شد و اسباب تأخیر افتتاح مجلس شد نمیدانم چرا این طور شد و حال این که بکلی بر عکس است یکی دیگر این که فرمودند در درجه اول اشخاص غیر قابل انتخاب می شوند ولی در درجه دوم اشخاص قابل لایق کامل فیلسوف تمام دنیا انتخاب می شود و مبایند مجلس اما در يك درجه بدیخت يك فرداً آنرا اسباب توجه میدانم که چرا در این انتخاب يك درجه بدیخت اشخاص عالم انتخاب نمی شوند ولی این درجه بدیخت اشخاص غیر لایق پسندند و در انتخاب يك درجه خوش بخت تمام آدمهای صحیع پسندند و در انتخاب يك درجه اشخاص غیر لایق پسندند لازم است بنده این را اولاً تشریح کنم و بعد رد بگنم گویا فرمایش آفایان این شد که انتخابات يك درجه شد و مردمان ایران چون درست آدم شناس نیستند یعنی نمی شناسند که کی قابل است کی قابل نیست مثلاً در دهات در قصبات در شهر هیچ ملتفت نیستند که کسی که قابل مجلس است کدام است و قابل مجلس کدام نیست بنده اولاً این را در میکنم و عقیده ام این است از آنها که معمظمن و کلای خواهند آمد هم آدم نمی شناسند وهم نمی شناسند که بدر مجلس میگورد کی نمیگورد واژ بنده و این آفایان که اینجا نشسته اند خبیزی بهتر نمی شناسند در دهات هم نمی شناسند در قصبات هم نمی شناسند خوب هم نمی شناسند .

هزاره امداد - صحیح است صحیح است .

هشتم رویدی - بنده این صحیح است صحیح است راهم قبول ندارم ورد میکنم - بله عرض میکنم اهالی این مملکت حالاً دیگر خوب می شناسند چه اشخاصی را و کلی بگزینند حتی اهالی دهات و قصبات هم نمی شناسند مخصوصاً باینکار هائی که ما کردیم و این کارهای بکاره ازما بروز کرد و اینکه آنها آدمهایی که قابل مجلس نیستند انتخاب کردن جهش این بود که نمی شناختند آدم قابل کبست آدم غیر قابل کبست حالاً دیگر نمی شناسند قابل و غیر قابل را خیلی هیچ است اگر آدم لایق را مردم نمی شناسند در انتخاب يك

رد بگنیم یعنی آن انتخابات یکه از برای انتخاب دو درجه ذکر کردند انتخابات منطقی و عقلائی نیستند و اگر هم این انتخابات عقلائی باشند خبیزی کم عقلائی هستند یکی از دلالتی که فرمودند در معاایب و مواضع انتخاب یک درجه و بنده ادله اینها را بدون ترتیب جواب میگوییم مرتبآ یادداشت نکردم حالاً یکی از دلالتشان این بود که اظهار کردند اگر انتخاب یک درجه باشد افتتاح مجلس بتأخیر میافتد و دو درجه فوراً افتتاح می شوند و آن هافوراً می آیند بجای اینها می شنندند و مجلس فوراً افتتاح می شود اما اگر انتخابات یک درجه باشد افتتاح مجلس عقب میافتد اولاً شد هفت و هشت ماه افتتاح مجلس در میانه اینها میگذرد و من خیلی تعجب میکنم از اینکه در صورتیکه افتتاح مجلس هم بتأخیر بینند در صورت صدق این یک برهانی می شود برای انتخاب دو درجه عرض میکنم برفرض که افتتاح مجلس یکسال هم طول بگذارد بواسطه انتخاب یک درجه باز هم باید انتخاب یک درجه باشد من بخلافه اینکه بازده افتتاح مجلس طول بگذارد یک قانونی که مطابق مشروطیت است بلکه اساس مشروطیت است بردارم و یک ترتیب استبدادی بجای او بگذارم چرا بجهت اینکه فلاں چیز عقب میافتد یا نیافتد باین کارندارم مادر یک مملکتی هستیم و یک مملکتی داریم که مشروطه است و در این مملکت میخواهیم مطابق مشروطیت قانون بگذاریم و قانون مشروطیت اینستکه تمام لزوم بدون اینکه کسی حق دخالت در انتخابات آنها داشته باشد خودتان مستقیماً و کلی انتخاب کنند و باینجا بفرستند و بنده در انتخابات و درجه میدانم که حق انتخاب را از عمد مردم میگیرند و این را خلاف مشروطیت میدانم و اگر برفرض باعث تأخیر افتتاح مجلس می شود انتخابات یک درجه بنده معتقد نیستم که یک خلاف مشروطیت را مرتکب بشوم بجهت اینکه تاخیر نسبت افتتاح مجلس خیلی تاخیر بینند و خلاف مشروطیت نشود بجهت اینکه آن مجلس که ما میخواهیم آن مجلس است که مطابق قوانین کلیه مشروطیت انتخاب شوند والا آن مجلس که مطابق قوانین مشروطیت و کلاین انتخاب شوند و افتتاح نشود آن بدرد ما نمیخورد و آن را نمیخواهیم نایاباً عرض میکنم که اصلاً چرا افتتاح مجلس بواسطه انتخاب یک درجه تاخیر میافتد بنده این را هیچ معتقد نیستم که بواسطه انتخاب یک درجه افتتاح مجلس بتأخر بینند بلکه عکسش را میخواهیم بگویم که اگر انتخابات یک درجه باشد زودتر مجلس مفتوح می شود بجهت اینکه آنها که در انتخاب دو درجه در تهات کوچک انتخاب می شوند باید بیانند بمرکز حوزه انتخایی و شاید از آن نفعه که انتخاب شده اند و مرکز حوزه انتخایی پیش خیلی مسافت دارد که آنها باید جمع بشوند در آنجا و این خودش اسباب تاخیر در حضور است و قنی هم که آمدند منتخبین درجه اول و بعداز مدتی دور کز حوزه انتخایی جمع شدند ممکن است بعضی از منتخبین درجه اول در خارج ایران باشند که باید با آنها تلگراف بگزینند و اخذ رأی بگزینند از آنها گرچه اینهم چیز غریبی است لکن ما مبتلا شده ایم که در خارج از ایران بعضی اشخاص بوده اند و در درجه اول انتخاب شده اند آنوقت باید مبلغی بول دولت صرف مخابرات با این شخص بشود که اورامطلع کنیم از انتخاب خودش و از اشخاص که در درجه اول

اشخاصیکه از خود شهر منتخب شده اند و تقدیم جسته اند در میانه همانها انتخاب خواهد شد اختصاص بخراسان هم ندارد آذربایجان و سایر مرکز هم همین طور است آن وقت آن تقاطبیکه منتخبین درجه اول را نفرستاده اند یا اینکه فرستاده اند و درجه ثانی انتخاب نشده است مثل همان میماند که هیچ و کیل نداشته باشد و از حق خودشان محروم شده اند و از آن طرف اگر ما بخواهیم بگوئیم که مطلعایک درجه باشد بنده مثل آفتاب میبینم که مجلس دیر افتتاح خواهد شد در این هیچ شک نیست بواسطه این که نقاط معظم مثل آذربایجان یا مشهد یا اصفهان یا شیراز و امثال اینها نماینده گان خودشان را زود خواهند فرستاد و با حضور آنها هم عده برای افتتاح مجلس کافی نخواهد بود و باقی نقاط هم باین زودیها اعدام در انتخاب نماینده خودشان نخواهند کرد و از این جهه افستان مجلس عقب خواهد افتاد حالا ولو این که این کار هیچ فلسفه ندارد ولی چون قانون برای رفع احتیاج مملکت است اگرچه بنده خودم میدانم وهیچ مملکتی نیست که ترتیب انتخاب آنها در بعضی جاهای یک درجه باشد و در بعضی جاهای دو درجه اما بجهة تسهیل کار و بجهة این که مجلس زود مفتوح بشود میتوانیم که قائل بشویم به تفصیل که هم آن محظوظ راتی که در انتخاب پنجم درجه است تا اندازه رفع شود و هم آن مواعیکه در انتخابات دو درجه است آن وقت خواهند گفت که در تقاطبیکه انتخابات آنها را دو درجه میکنند اگر یک درجه بشود چه عقب خواهد داشت بنده عرض میکنم یکنفعه هست که (۱۵) هزار جمعیت دارد و یکنفعه دیگر هست که ۲۰ هزار جمعیت دارد و یکنفعه دیگر هم ۵۰ هزار این ۴۰ نفر را یا بدینه یا که حوزه قرار بدهیم که یکنفر انتخاب بگتند از آن نقطه که (۱۵) هزار جمعیت دارد تا آن نقطه که ۵۰ هزار جمعیت دارد و ما بخواهیم آنجارا مرکز حوزه قرار بدهیم ۵۰ یا ۴۰ فرسخ راه است که باید تمام آن جمعیت در آنجا حاضر بشوند و یکنفر را انتخاب بگتند و بفرستند بمرکز و هیچ کس من عقبده ندارم که در ایران حاضر شود که برای شعره گرفتن یک مسافتی را طی بگنند خواهند گفت که ما در هر یک از این نقاط که ۱۵ هزار و ۳۰ هزار و ۵۰ هزار جمعیت دارد یک حوزه انتخابیه تشکیل خواهیم داد که هر کدام انتخابات خودشان را بگنند آن وقت آراء آنها را جمع خواهیم کرد و یکی که اکثریت داشت او را بمرکز خواهیم فرستاد بنده عرض میکنم که این ترتیب بلطف درست است اما بعضی توافق دارد که وقتی که بموضع عمل باید خواهیم دید که خیلی مشکل خواهد بود برای این که فرض کردیم که ما در سه نقطه سه انجمن نظارت تشکیل دادیم وقتی که آراء هر سه نقطه جمع شد ما باید این سه انجمن نظارت را که آراء او در آنها جمع شده است در یک محل جمع بگیریم وقتیکه بناسد این سه نقطه که وسعت خاکشان چهل یا پنجاه فرسنگ است یکنفر نماینده بفرستند به بینیم که آن یکنفری که اکثریت خواهد داشت بالنسبه به یک از این سه نقطه خواهد بود یا از یک محل لابد آن یک نفر نماینده از یک نقطه خواهد بود که با اسم نماینده گشته از بیک درجه همان دلایلشان بیان ایشان را رد میکند متلا افراد دارند منتخب دو درجه و کیل ملت نیست و کیل افراد است بجهت اینکه یک عدد میباشد یکنفری داوکیل میکنند پس این نماینده و کیل افراد محدودیست و کیل افراد ملت نیست فقط نماینده خود نفرات است که مجلس میباشد و همچنین میفرمایند یک درجه آسان تر است و دو درجه یکقدری مشکل است و باز هم میفرمایند که باید در درجه باشد و دلایل دیگری را که آقای معزز الملک مشروحاً فرمودند بنده میخواهم تکرار بکنم و یکی یکی را جواب عرض کنم همینقدر عرض میکنم اگر انتخابات یک درجه شود آن نماینده که باینطور انتخاب میشود نماینده ملت است و البته ملت آن نماینده خودش را ولو اینکه بی علم باشد و با بعضی معلومات دیگری که ازاو خواسته اند دارا باشد عرف اعتماد میدانند یعنی آن اشخاصیکه آن آدم را وکیل میکنند با او اطمینان خواهند داشت و هم پشتیبان او خواهند بود و همیشه گوش دارند برد و قبول او پس چگونه میشود که ما این ترتیب را کنار بگذاریم و یک ترتیبی را اختراع بگنیم که ابدا نماینده ملت نباشد بلکه نماینده یک عدد مخصوصی باشد و این را هم من باب مثل عرض میکنم و شخصی اگر یک طفل زشتی داشته باشد البته آن طفل زشت خودش را ترجیح خواهد داد یک جوان مقبول دیگری و همینطور است در این موضوع که ملت هم نماینده را که خودش انتخاب میکند او را ترجیح میسند بر یک عالم فاضلی که هیچ اورادر خارج نشناسد و معرفت بحال اوند اشته باشد و تصویر میکنم که در اینباب هرچه حرف بزرگ زیادی است و تقاضا میکنم از آقای رئیس که اشخاصی که یک مرتبه دلائل خودشان را ذکر کرده اند دیگر تکرار نفرمایند برای اینکه بخواهند مکرر دزمکر دلایل اولیه خودشان را اظهار بگنند تصور میکنم که مخالفی دی پنجه، بسبم و بنده هم محض اینکه از خاطر آقایان رفیع رحمت گردد باشم بهمین مختصر اکتفا میکنم.

حجاج شیخ خعلی - هیچ شک نیست در این که انتخابات یک درجه بهترین انتخاب است و هیچ یک از آقایان هم فلسفه نمیتوانند این دلایل پیشنهادند و بگویند که بطوریکه درجه انتخاب کردن نداشت فقط چیزی که مانع شده است بعضی از این که امروزه یک درجه تصویب بگند عدم حسن چریان است بواسطه این که ما نداریم آن اسبابیها که بتوانیم این مقصود خودمان را درست بانجاش برسانیم راه نیست مردم آن طوریکه باید برای انتخاب حاضر باشند حاضر نیستند بعضی نقلبات و خجالات احتمال میرود که مردم در این کار بگنند و اقدامات بگنند ولو این که محظوظات در دو درجه هم هست و بگنی رفع نمیشود ولی وقتیکه مقایسه بگنیم این دو تارا باهم دیگر مبینیم که در بعضی از نقاط اشکالات در یک درجه پیش خواهد آمد و بعضی جاهای در دو درجه و اگر ما بخواهیم دو درجه مطلق را تصویب بگنیم معایبی در کار پیدا خواهد شد و دیدیم مثل این که اگر ما بگوئیم حوزه انتخابیه خراسان مثل اول باشد بنده هیچ تصدیق نمیکنم که دو درجه باشد بواسطه این که اکثری از نقاط منتخب درجه اول خودشان را نمیفرستند و آن وقت آن

و تربت و شیخ‌جام وغیره حالا بعضی از آقا‌یان از دلائل خارج شدند و فرمودند مثلاً اگر سنا منع‌قد شود اگر حکام مسئول باشند این اگر ما مثل آن مثل فرانسوی است که بگویند که باید که باید مرکز یک‌شهری داشت یک‌نظری جابگیر داما باین اگر همان‌بود کار کرد حکما بوظیفه خودشان در انجام انتخابات عمل نمی‌کنند این یک‌چیز نیست که بتوان بتوسط انجمن نظار رفع کرد و نمی‌شوند معتقد انتخابات یک‌درجه باشد بشرط چندین اگر وزراء چه قسم باشند اگر حکام جنان بگفند ولی اینها اگر است ثابت‌آمیز فرمایند حکام مسئول انتخابات خواهند بود اگر همان حکامی که تا حال که آخر دوره است و یک دفعه از نایند کان‌هنوز حاضر نشده‌اند مسئولیت انتخابات را قبول کرده‌اند همانها باز مسئولیت انتخابات یک‌درجه شمارا قبول خواهند کرد و حتی شما نتیجه خواهید گرفت بگویند در انتخاب دودرجه ممکن است بعضی حبله و تزویرها بشود من نمیدانم که کدام حبله و تزویر است که بتوسط انجمن نظار ممکن است رفع بشود بنده نمی‌گویم که انتخابات یک‌درجه بداست بجهة اینکه انسان وقتی که یک حرفسی رمی‌زند برای زمانی و یک مکان معینی بگوید و الا البته بدون ملاحظه مملکت و بدون ملاحظه زمان اگر به‌بنده بگویند که کدام یک از انتخابات دودرجه و یک درجه بهتر است البته بدون تأمل خواهم گفت که انتخابات یک‌درجه ولی چیزی که هست امروزه باید کفار گذارد بجهة اینکه تا وقتیکه اسباب رسیدن برام اگر ما بخواهیم عجله بکشم در رسیدن به مقصود همیشه عرض اینکه یک قدم جلو بروم ده قدم عقب می‌روم این جای هیچ شک و شبیه نیست چنانچه آن جلسه عرض ردم و باز هم تکرار می‌کنم در یک مملکتی که هنوز هیچ راه آهنه نداده و سیله‌های او دهندارد این‌همه اختلافات نزادی دارند این‌همه اختلافات اخلاقی دارند این‌همه مشغولیات داخلی دارند که هیچ نمی‌توانند بپردازند یک ترتیبات انتخابیه باید ترتیبات دیگری و حواس خودشان را جمع کنند که مجلس شورای ملی زود منع‌قد شود و اساس مشروه‌بیست محکم بشود باید آنرا مراجعت داد و فناعت کرده بدرجه پائین که انتخاب دودرجه باشد و این است که در تمام دنیا قوانین مختلفه دارند بجهة اینست که مقتضای داخلی خود را منظور می‌کنند والا اگر در موقع قانون گذاری فقط نظر برام بود فقط نظر بازادی بود و فقط نظر بفورم مشروه‌بیست بشود آنوقت چون فورم مشروه‌بیست در همه جا خودش یک آمالی دارد لازم می‌آمد که تمام قوانین عالم در تمام ممالک عالم یک طوری باشد ولی این‌طور نیست و این برای جلسات برای اینست که بعضی مقتضایات محلی هست و همچنان منظور می‌شود و متدرجه بطریق مقصود و آمال قدسی بس میدارند ولی با چه فرمهاهی کوچک فرص و مطمئن بطریق مقصود می‌روند و الا اگر هیچ‌وقت مقصود حاصل نخواهد شد .

متلا در سفر انتخاب شده است یکنفر با ۵۰۰ رأی در بانه منتخب شده است یکنفر با ۴۰۰ رأی در مریوان یکنفر با ۲۵۰ رأی آنوقت از بین اینها که را نماینده میدانند نماینده سفر که اکثریت دارد آنوقت عملاً بانه واورامان و مریوان معروف شده‌اند گواینکه صورت ظاهر اینطور نمی‌شود چرا بجهة اینکه شما در انتخاب دورجه ممکن بود بهریک از اینجاها یکنفر منتخب درجه اول بدھید و ممکن بود که در درجه اول چهار نفر منتخب درجه بیانند در یک حوزه انتخایه آنوقت اینچهار یا سه نفر رأی بدھند در حق آن نماینده آنوقت این یکرشته‌هائی است که متصل می‌کند این یکنفر نماینده را با آن نقطه‌های دیگر اگر سفر و بانه واورامان و مریوان مبتوانند جمع شوند دریک جا و اولاً همین قدر این چهار نقطه در انتخاب یکنفر شرکت می‌کردند و رأی میدادند در انتخاب او صحیح بود ولی بواسطه اختلافات اخلاقی که دارند و اختلافات نزادی که دارند و بواسطه سایر اختلافات که میدانند نمیتوانند جمع شوند در یک جا و یکنفر را انتخاب بسکنند پس باید دانست که آن نماینده که از طرف سفر می‌آید طرف اعتماد آن نقاط دیگر خواهد بود باینجهة عرض می‌کنم عوض اینکه یکقدم بیش بر ویم در انتخابات که یک درجه گئی بیش باید بعکس عقب رفت ایم و فقط نماینده‌گانی که انتخاب شده‌اند نماینده‌گان همان محل خواهند بودو شما عملاً هیچ خواهید توانست که طوری بکنید که بین این یکنفر باموکلین آن عربها یکرشته و اتصال مستقیمی باشد و علاوه‌تماد باونخواهند کرد و نماینده آنها خواهد بود اما در باب طریق تسهیل یک درجه گئی نسبت بانتخابات دو درجه گئی که گفتندیک درجه گئی آسانتر است از دودورجه و حتی مثلی را که فرمودند این بود که مسلم است از یک پله بالا رفتن آسانتر از دوپله رفتن است بنده تصور می‌کنم اولاً این مثال البته شوخی بوده والا مستلزم مارتفاشی است اینکه عملیات انتخابات یکدربه آسانتر است بجهة اینکه آنجا باید یکمرتبه رأی بدھند و انتخاب کنند و اگر یکدربه باشد همانجا قطع می‌شود و اگر دو درجه گئی باشد یکمرتبه دیگری هم دارد و یک عقبه دیگری هم باید طی بکند این صحیح است که مشکل است لکن مراد از آسانی و مشکلی در انتخابات این است که بطریق سهلی ما از انتخابات نتیجه بیریم تصدیق خواهند کرد بعینده بنده که انتخابات دودورجه عملیات مشگل تراست وزیادتر است ولکن مارا زودتر بمقصود میرساند بلی مثلاً در شهر تبریز شاید اساتر باشد انتخاب یکدربه و هیچ اشکالی نداشته باشد و هیچ احتیاج بانتخاب دودورجه نداشته باشند ولی من نمیدانم اگر مستقیم شود در تمام آذربایجان نماینده ایلات شاهسون را تا کی اینجا حاضر خواهند داشت نماینده خوی و ماکو و سلام و قطع و اوررومی اشنویه و رکور و صومای ساوجبلاغ و مراغه و ده خوارقان را تا کی اینجا خواهید داشت همینطور سیستان و هیرمندان را که با وجود اینکه دودورجه بود تقریباً مدتی نیست که نماینده سیستان و قائنات در میان مانیست آنوقت کی درین ماخاهد بود همینطور بشروع و طبع و بختان و گن آباد و تون و ترشیز و کومسرخ

مجلس شورای ملی حاضر نخواهد شد در مرکزو اگرهم حاضر شوند یک اشخاصی در اینجا خواهند آمد که شاید آمدنشان باینجا صلاح نباشد و اینکه می‌فرمایند و مکرر هم گفته شده است که البتها اکثریت یک محلی که انتخاب می‌کند کمتر گول می‌خوردند از آن عده که دو مرتبه انتخاب می‌کنند یعنی از آن منتخبین درجه اول من تصور می‌کنم که این اینطور نباشد بجهة آنکه استدعا می‌کنم آفایان نظرشان بمراکز عمله نباشد والا از سایر جاهای مامیدانیم که عموماً عده رأی دهنده‌گان چقدر است یکنفر رأی بدھند لابد آرائشان مختلف می‌شود و ممکن است در یک مرکزی یک کسی با اکثریت ۶۰ - ۷۰ رأی انتخاب شود و آنوقت تصدیق خواهند کرد که حاصل کردن ۶۰ - ۷۰ رأی برای کسی کفایل نیستند داخل وکالت شوند خیلی آسانتر است از حاصل کردن ۴ - ۵ رأی که هر کدامشان می‌دارند انتخاب شوند و خود آنها ذینفع هستند و برفرض که تصور بکنم که هریک از این بین نفر خودشان را بنویسند در صورتیکه از خودشان گذشت یقیناً تصدیق خواهند فرمودند که نظرشان خواهد رفت با شخصیکه قابل هستند برای اینکار و برازنده‌ای دارند و ما هیچ ناید تصور بکنم که نظر آنها بکسانی خواهد رفت که لایق نیستند بدیهی است آنچهار نفر دیگر کسانی را خواهند نوشت که اینق و انساب تر باشند و این بدیهی است که بواسطه این دو درجه شدن نجده می‌کند نماینده‌گان را و در جلسه گذشته بنده عرض کردم انتخاب یکدربه بعضی نقاط را معروف می‌کنم از انتخاب گویا در این عرض بندهم دقتیکه لازم بود نفرمودند بجهة اینکه خواهیانرا که فرمودند راجی بآن عرض بنده نبود با اینجهة دوباره محض توضیع عرض می‌کنم در انتخاب یک درجه باحال حالیه مملکت بعضی از جاهای ممکن است معروف بمانند مثلاً چطور معروف می‌شوند محض اینکه واضحتر شود رجوع می‌کنم بجهة بندها در کردستان مثلاً سفر و بانه واورامان و مریوان یکنفر نماینده داد شد است لابد انتخابات هم چون یک درجه گئی است آنوقت یا باید گفت سفر و بانه و اورامان و مریوان جمع شوند دریک نقصه و یا کمتر کز انتخابیه‌ها نهایتها تماماً یک نفر را نماینده برای خودشان انتخاب بسکنندیا این را باید گفت که اینها هر کدام جدا جدا جمع شوند و یک هیئت نظاری تشکیل بسکنند و یک انتخابی بسکنند آنوقت آنکس نماینده خواهد بود از این چهار جا که اکثریت نسبی داشته باشد و یقین خواهم کرد که تمام اینها یک رأی نخواهند داد بجهة اینکه هنوز در اینجاها ترتیب داده نشده است که یکنفر برود کاندیدا شود مردم را تشویق کند و بگوید مردم انتخاب بسکنند پر و گرام خودشرا بگوید این ترتیب که خواهد بود باید لابد بعمل خودشان باشد آنوقت می‌شود در واقع چهار نفر نماینده چون از چهار محل انتخاب می‌شود و چهار نفر شدند آنوقت از آن چهار نفر کدام را برخواهند داشت لابد آنرا خواهند داشت که اکثریت دارد

رتبه انتخاب آن نماینده‌گان است و وقتیکه مامیدانیم که بواسطه یک قانونیکه از مجلس می‌گذرد نماینده‌گان برا حاضر خواهند شد که اکثریت یکدربه در مجلس حاضر نخواهد شد خبلی بعید است که ماباز بگوییم که همان قانون را باید بنمایم و لو اینکه در ظرف اک سال هم نماینده‌گان حاضر نشوند و مجلس منعقد شوداما اینکه عده کافی حاضر نخواهد شد اگر با جمیع کنیم بانتخابات دوره گذشته بخوبی معلوم خواهد شد و تصدیق خواهند فرمود که فرقی ندارد بن انتخاب یکنفر منتخب درجه اول و انتخاب یک رفر نماینده عملیات انتخابات حوزه انتخایه می‌بندید که در اغلب از دوره‌ها از کافی عده منتخبین را اول تقریباً همه یک‌چهارم آنها حاضر نمی‌شوند لی چون در این موقع انتخاب دودورجه بود آینکه بیکر که حاضر بودند و تو اینکه از عده درجه اول ندیریم حاضر نبود و کسر داشتند و باز هم خود آنها حق داشتند که جمع شوند و تمام عده لازمه نماینده‌گان را انتخاب نمایند و بمر کز بفرستند خود بین ترتیب را تصدیق خواهند فرمود که آسیاب سهولت و دلیل و قبیله انتخابات یکدربه شد این سهولت خواهد بود بجهة اینکه هیچ نقطه را فرض بفرمائید که سابق در انتخاب درجه اول باید منتخب خودشان را بفرستند فرضی از سه نقطه فرستاده بودند و از دو نقطه دیگر نفرستاده اند لکن همان سه نقطه فرستیند درجه اول چون مدت آمدن آنندو نفر دیگراز آندو نقطه منقضی شد انتخاب خودشان را کردند و نماینده شان را فرستادند لکن در ایندوره آنندو نقطه که منتخب درجه اول خودشان را در دوره که گذشت نفرستادند و حالا مطابق انتخاب یک درجه باید نماینده فرستادند اگر مثل سابق فرستادند نماینده خودشان را نفرستاده اند در ترتیب اول نماینده از بین نمی‌رفت لکن در این ترتیب نانی آنندو نقطه نماینده از بین می‌ود این مثل دودوتا چهار تا است آنندو نقطه نماینده خودشان از فرستادند هیچ رابطه بین آنها و آنکه حوزه‌ای انتخایه موجود خواهد بود و قبیله محلی را بعمل خودش و آنکه کردند آنوقت ممکن است یک محل نماینده خودش را فرستد و یک محلی است ایک درجه تقدیمه نماینده خودشرا فرستند و ایک درجه تا آخر دوره تقدیمه نماینده خودش را فرستد و بالآخره ممکن است بواسطه همین قصور اعالي در فرستادن نماینده بمر کز عده لازمه برای تشکیل مجلس شورای ملی حاضر نشود و برای یک قدم بیش رفتن ده قدم پس بروند و مجلس تقریباً تداشته باشند و اینکه فرمودند در اینجا که ممکن است بتوسط روزنامه‌ها و رفتن بمنابر و مساجد مردم را وداده با انتخاب کرد بند تصور می‌کنم که این ترتیب در بعضی جاهای ممکن باشد باید تصدیق بسکنند است که در نقاط مملکت معمول نخواهد شد زیرا در همه جا روزنامه‌جات نخواهد بود در همه جا نماینده‌گان نیستند که بروند تشویق بسکنند مردم را واز طرف دیگر شاید مأمورین قوه مجریه هم آن جدیت را نداشته باشند در انتخاب نماینده‌گان و متاباید خودشان را گول بزیم بامیدواریهای آتبه که خودمان میدانیم حقیقتی نخواهد داشت پس باین دلیل عرض می‌کنم که بواسطه انتخابات یکدربه عده که لازم است برای تشکیل

شود انشاء الله راه آهن بهمه جا کشیده شد
به همکده هاهم کشیده شود هر کس این عقبه
نه این است که بندہ اور اسلام نمیدانم بلکه انسان
دانم پس بنابراین آن وسائل یعنی تقدیم از اعماق
و مرآکن آراء که ترتیب انتخاب بمناسن میدهد
مشکل است و علاوه بر همیج داخل نمی شوم در آر
که آفای حاجی آقا گفتند بعضی گفتند خارج ا
است بندہ بطوطی داخل می شوم که نگویند
موضوع نبست در موقعی شاید حقیقت داشته باشد
خواهم کرد که در یک مملکتی که هنوز شاید
حاله اقتضا نکرده است که مجلس دیگر
مجلس مقدس شورای ملی بشود حالا کارندا
یانشود چون لا بد آن مجلس اگر اقتضای
تأسیس مبتد و مبداند که آن مجلس خبلی
بعینیات و عقاید و قوانینی که از این مجلس
ملی بیرون می آید مساعدت بکند نظر بآن
که مغلوب خواهند و همیج حاضر نیست که
متایل باشد که بطوط مستقیم انتخاب نشود
که خودم یکی از آنهاست هستم که این مردم
که انتخاب مستقیم باشد ولی نه برای امری
مغلوب میشوم ولکن عرض میکنم اگر اینها
خواهیم دید ولی بندہ نمیخواهم به یعنی راه
که برخلاف این وجدانی که حالا دارم یکچو
یا پایه که من شرمنده بشوم که چرا یک همچو
از دم و برخلاف در آمد بندہ حفظ حق
صحیح را برای ملت میخواهیم و همیج حاضر
یکوقت سرزنش بکنم یک جمعی را که دیدید
من بودید و اینطور شد دلم میخواهد طو
که یکدسته بندهران توییخ بکند و سرزنش
که قانوناً حق دارند این دو مجلس باهم تبا
که حالا نمیخواهم ترتیب مجلس را بگو
خوشبختانه یا بدینه این مجلس هنوز
نیافر و معلوم هم نبست که کی تشکیل میباشد و بند
این است که اگر با آن بیاناتی که بعض از آفایان
و عقاید آنها که پایشان ورم کرده است
بینه بسته است بندہ آن را خبلی محترم
خودم را این خور آن ها و آن هارا مخدوم خوا
و با کمال اینجا عرض میکنم که اگر یک آدم
دانشمندی مزد و اجرت بگیرد برای مزد
آدمی که از آن عدم و هنر بی نصیب است هی
اجازه نمیدهد و همیج انصافی تجویز نمی کند
فیلسوف کفشه آنها را هم بیو می بند
عنت اینکه این رنجبرها را که میفرمایند
مجلس چیست مگر مجلس تمام اسمش ای
به تعظیمات آن رنجبر از گنج که در اینجا
کند بررسو خودش که آه صاحب در دردا
در اینجا باشد البته باید متوجه باشند ولی
شورایملی خبلی و ظایف عمده و خبلی مه
رابعهده دارد و اگر یک عرضه و تلکراف
یکی از سرحدات آمد آن راهم یکی از و
رجوع میکنند اگر تفصیر و تاخیر کردن
سوال و استیضاح میکنند ولی جمل قوانین و
را بندۀ خبلی متسق فاز افکار آنها و من این

که گذشت اینجا نشسته است از این جهت این
تهتم ها را زدن که خدا نهن آن را پر از
آنش بکند.

حاج شیخ الرؤوف — بندۀ در این موقع
متن کز شدم یک جمله را که در اوقات طفویل که
عمرمان را صرف نحو میکردیم یک چیزی میگویند
موافق قیاس گاهی مسئله درست است ولکن خبلی
مسئله است که بزبان ادبی میگویند که موافق قیاس
و مخالف استعمال است وقتی که بفلسفه این حرف
بررسیم بندۀ ناچارم این طور توضیح بدهم که این
بيانات مشتمع که بفلسفه عقیده اینجانب یک درجه از
نمایندگان محترم ظهور مکنند گمان ندارم که دیگران
باین نظر متوجه نیستند بلکه بندۀ خبلی اهمیت
میدهم این نقطه نظر را که موافق قیاس فلسفه
مشروطیت و توسعه دایره حفظ حقوق نوعیه دیگر
داخل تفصیل نمیشوم همین بیاناتی که آفایان
فرمودند و میفرمایند ولی متأسفانه بندۀ همیج لازم
نمیدانم و نه خودم را بستایم و نه موذن خود
را یعنی این موقع موقع اغراق شاعر از نیست
میخواهم عرض کنم که البته اولین مردم و آزادی
قدس هر ساحب مسلک سیاسی و گمان نمیکنم که
در بیان احزاب مختلفه یا موتلفه هیچگدام از این
مردم خودشان را بی نصب کرده باشند معلوم
است و خبلی آرزومند بندۀ و تقدیس میکنم این
نقطه نظر را که ما یک وقتی انتخاب را درجه اول
و مستقیم بدانیم و باید این عقاید را همان طوری
که اساس عقیده خوب است در مقام عملیات هم همان
را بینیم ولی این نکته را چرا توجه نمیفرماید یا
قابل عصف نظر نمیداند آفایان برای اینکه امروز
حالت عموم اهل منکت ما البته تصدیق خواهند
کرد که هنوز بواسطه پاره علل که یکی عدم تعمیم
معارف است حالا بعد از این انشاء الله (شهر ما
فردا بر از شکر شود شکر ارزان است و ارزان
تر شود) البته همین طور است و خواهد شد ولی
امروز بارزانی که انشاء الله فرب الحصون است نمیتوانم
که تکلیف حالیه خودمان را بامید وصول آن آزادی
اینکه تعبیر بدھیم امروز بندۀ می بینم و ابته همه
هم متوجه اند که آن معارفی که برای عموم اهالی
ملل لکت لازم است ایه و آفایان و علماء بسیارند ولیکن
تعیین معارف یک ملت را میدانند آفایان که مقصود
چه چیز است که اگر بناده استثناء بشود از منت
باید آن کسانی که عالم بحقوق هستند استثناء بشوند
و حالا در یک مقامی است که بواسطه فشار از بند
استبداد نگذاشتنند بواسطه تجلیات بشریت و افق
انسانیت این ملت بیچاره آنطوریکه خداوند عالم
خنق کرده است و ودیعه گذارده است و برآزندگ کرده
است این خلفت را و این ملت را حالا مبادی بروز
و ظهور است انشاء الله در سایه تجدد و مشروطیت
بروز خواهد کرد پس بنا بر این حالا اگر بخواهیم
استثنایکم فقط از این ملت ممیتوانیم کسانی که
و اما بحقوق خودشان هستند استثنایکم بین نظر
بندۀ گمان میکنم که اگر انتخاب را مستقیم کنیم
چون معارف عمومیت ندارد و از آنطرف هم وسائل
حمل و نقل ایاب و ذهاب هنوز میداند که یکی
از مرامتمهای احزاب است که راه آهن کشیده

رأساً و مستقیماً بدون همیج شرطی انتخاب شود آنوقت
ملکت در حال سکون خواهد ماند و ممکن نیست
غیر از این باشد فرضًا هم اگر بعضی بفرمایند که
اشکالاتی نیست بندۀ همیج اشکالایرا غیر متروک نمیدانم
در یک درجه و دو درجه هرچه هست متروک است که
هرچه بخواهیم تطبیق بکنیم نمیشود آیا آنها بکه
میگویند باید دو درجه انتخاب شود بخواهند بگویند
که رای ملت اول گرفته بشود یا این چیزی
که رای عموم را مناطق بگیرند که در اول هست چه
ضد دارد که آنها بکه اطمینان خودشان را نسبت
بیکی داده اند چنانچه در انجمن نظارت تهران بعضی
از آفایانیکه آنچه بودند در اینجا تشریف دارند
و دیدیم اشخاصی دارای سه هزار رأی بودند محروم
شدند و بندۀ علاوه بر آن میکنم یک چیز دیگر یعنی
عرض میکنم که بندۀ راه چون در آن حوزه انتخابیه
نمایندگان طهران را داخل کرده بودند از آن از آن
چهل و پنج هزار نمایندگان تهران را که مستقیماً
انتخاب شده بودند انتخاب کردیم و الان پنج هزار
را پیشتر نمی بینم اینها چرا این جور شده است
برای اینکه ما اصول مشروطیت را از دستداده ایم
حالا چرا ما از دست داده ایم بواسطه تراکم و
جزیه هایی که بود ما وارد شده است که تصریح هم نداشتند ایم
و ملت خودشان هم میدانند که بعد کردیم زمان
ما یک زمانی بود که بیش از این بیان قدرت نداد و
آن روز هم میدانستیم که با منتفعت مملکت موافقی
ندارد حالا هر چیز میکنم مجلس باید نمایندگه ملت
باشد و از آن اشخاصی که پاشه های پای آنها ترکیده
و دستهای آنها بقدر ضخامت دست اند شاید چرم
و پیشه دارد باید از همان اشخاصی در اینجا باشد
که وقتیکه حرف خودش را میزند اثر خودش را
بخشد تا اینکه بینند آن بیچاره کیست و بزحمت
جه اشخاصی باید عموم از او منتفع بشوند و گمان
میکنم که بغیر از انتخاب مستقیم بدون همیج شرطیک
خدمی است که مشروطیت وارد نمیشود هر کس را ایش
غیر از این باشد و اگر بفرمایند زحمت دارد بندۀ هم
میدانم که زحمت داردوی کار کم زحمت در دنیا کم
منتفع خواهد بود کار پر زحمت پر منتفع خواهد بود
و کار بی زحمت همین را تهیه میکند که الان در ش
هستیم و خبلی زحمات ابتدائی لازم است که مایلیک
نتیجه صحبتی بررسیم نمایندگه ملت و مجلس شورای
ملی وقتی بررسیت در دنیا شناخته میشود که مستقیم
از طرف ملت انتخاب شود دانا است باید همان
باشد نادان است باید همان باشد آن وقت در منکت
مسکو حاصل میشود زیرا هرچه از مجلس بیرون
برود آراء ملت ایران است و هیچکس هم نمیتواند
ایراد بکند و قطعی دارم که گول هم نمیخوردند برای
اینکه آنها در نفع و ضرر خودشان شریکند و
امکان ندارد که شاید خبلی ناله ها هست که بسکه
زیاد بگوش ما وسیله است و در صدد و علاج بر -
نماییم و همیج چاره نمیکنم و آن روز آنها زود
در صدد علاج و چاره بر میآیند و بعضی تهمه اهان
دیگر نمیتوانند یک همچو مجلس مقدس بزنند حالا
لایق نیست که من اینجا بگویم که چه گفتند برای چه
میگفتند این حرف ها را برای این که آن که در آخر
سیستان بود و آن که در آخر لرستان بود نمیدانست

آمد اما فرمودند ممکن است که بعضی اشخاص بیانند اینجا که صلاح نباشد خیلی تعجب است که در درجه اول سه نفر انتخاب میشوند که از آن‌ها نفر یکنفر در درجه دویم انتخاب بشود و این سه نفر هم سه‌عالم و فاضل باشند یک مختصراً باهم فرق داشته باشند آن وقت آن دو نفر دیگر اکثر خیلی صاحب اخلاق حسنه باشند آن وقت بیانند آن یکنفر فاضل‌تر را مین‌بکنند اما دریاک درجه که شد اکثریت ملت هیچ ممکن نبست که این جا فاضل بشناسد اگر رجوع بانتخابات سابقه اسکنیم میبینیم اکثریت ملتی پیشتر این ملاحظه را کرده است بنده نمیخواهم اسم پیره اشخاصی که با اکثریت تامه انتخاب شدند و مستعفی شدند از این که در درجه دوم انتخاب بشوند بعد از این که در بصیرتر و فاضل‌تر بودند و پیشتر زرف توجه مردم بودند اسم بردن خوش نخواهد بود و دیگر با این که در زمان استبداد نظام‌نامه انتخابات را نوشته و اشاره کردند کسب‌که اکثریت تامه داشته باشد او متن‌های است که دوباره انتخاب بشود این قدر اهمیت با اکثریت دادن چیز آیا این بی انصافی نیست که ما در یک همچه موقع آزادی بیائیم یک امتحاناتی برای انتخاب دو درجه بیا کنیم و بگوئیم این ملت هیچ نمیفهمد قیم لازم دارد واقعاً خیلی جای تعجب است برای بنده که هیچ دلیلی نشنبدم جزاً یکه همه اش بیان بود اینجا بیان کنم که این ملت هیچ نمی‌فهمد و قیم لازم دارد اماده باب اینکه اینجا گفته شد که بعضی از آقایان فرمودند که صندوق خواهید گردانید هیچ همچو چیزی نیست کی یکدربه باشد اینجا گفته شده یکدربه خودش را نمود که می‌گویند صندوق گردانید مثل اینکه گردش یک چیزی انداخت و دور گردید هیچ همچو چیزی نیست می‌گویند عوض اینکه در یک محلی فرض بفرمایید مثل ودامین و ایوان کیف و شهریار این ها می‌بایستی یک و کیل بدنه از برای درجه اول آپا انجمن نظار برای این ها تشکیل نخواهد شد آیا مردم نمی‌بینند رأی بدنه برای درجه اول وقتی که این زحمت کشیده بشود و ما میتوانیم نتیجه آراء آن ها که از آن جا استخراج میشود بفرستیم برای وزارت داخله یا انجمن نظار یا انجمن ولايتی چنان چه ما موضوعش را الان داریم و کیل کلیمی ها آقا میرزا لقمان که بانتخاب یکدربه انتخاب شدند چه اشکالی پیش آمده است که لازم بوده است از آن دو محل دیگر جمع شوند و در میان سه نفر باز میرزا لقمان را انتخاب کنند که یکی ۲۰۲ رأی داشته و یکی ۴۵۰ رأی داشته و یکی ۲۷۵ رأی داشته است شاید اکثریت اینجا هم خطای نکرده است و این ۲۷۰ رأی بدرجات خیلی بهتر از کسی است که کمتر رأی داشته اند آیا اینکه می‌گویند محروم میشوند بعضی ها بنده خیلی تعجب می‌کنند در دو درجه آن که در پیش فرسخی است با آن که در درجه اول واقع شده باکله می‌باید برای انتخاب اما وقتی که گفتم شما زحمت نشان کمتر است البته بهتر حاضر میشوند و هر چه اشکال در درجه اول فرض بفرمایید از برای معروفت عین آن ها برای درجه دوم است در این جا اول و دوم مساوی است هیچ اشکالی ندارد مگر همان دلیل که بگوئیم در درجه ۳۰ ذیکر متظر نشود ایالت از برای پیش نفر نفر که بیانند برای انتخاب درجه دوم اما باید دانست وقتی که این شکل شد چه اشکالی بیندازند اما در یک درجه هیچ اشکالی ندارد بجهة این که وقتی حوزه بندهای کوچک شد دیگر آن طور نیست که از پیش و یکنفر ۷ نفر انتخاب شود که مجبور باشد غیر از خودش ۶ نفر دیگر را هم بنویسد که عالم و بصیر باشد وقتی حوزه کوچک شد و یک و کیل باید بعد مجبر است که اسم خودش را بنویسد از برای این که و کیل بشود و وقتی که اسم خودش را نوشته البته بفرجه خواهد شد آیا تصویب نمی‌فرمایند که یک مجلس داشته باشیم که تمام اعضای او بفرجه انتخاب بشوند بعد از این مقدمه می‌رویم سر مطلب و ایرادی که آقای معزز‌الملک کردن اولاً فرمودند که باید وزراء حاضر باشند و در قانون شرکت کنند آمدند کمیسیون و شرکت هم کرد که آنها حوزه‌ی بندی است که آقایان وزراء حاضر شدند در آنجا و مذاکره کردن و نظریات خودشان را کردند اند دیگر اینجا هیچ لازم نداریم که بدانیم که عقیده وزارت داخله پیش مستقیم است یا غیر مستقیم این یکی از حقوق مختلفه ملی است و هیچ وقت ملت حاضر نیست که این حقوق خودرا بدولت پدهد حقوق ملت جزء جوئش گرفته شده امروز بیانند نمایند کان و بخواهند این حقوق متناسب با ملک بدهند کمال بی انصافی است بنده نمی‌کویم دولت و ملت از هم جدا است بدیهی است دولت و ملت یکی است وقتی که بشناسد با آن ها شرکت کنند در واقع کمکی است برای قانون گذاری و اینکه فرمودند نمایند کان دیر حاضر خواهند شد بنده عرض می‌کنم وقتی که وزیر داخله بیانند در کمیسیون و بفرمایند که تعبربه بمانشان داده که دو درجه خیلی اشکال خواهند داشت و غالب می‌شود که عده کافی درایالت حاضر نمی‌شوند چنانچه خود آقای معزز‌الملک فرمودند که در انتخاب دو درجه سی نفر شاید حاضر نشوند ده نفر حاضر شود لازم نیست که بیانند خودشان انتخاب می‌کنند خیلی چیز غیر ملی است که یکمده حاضر نشوند و یکمده دیگر بیانند انتخاب کنند یا عده معینه را که بنظرشان خوب می‌آمد خوب است همین طوری که بجای نماینده های مستعفی انتخاب می‌کردیم این جا یک‌صد نفری را از اشخاص منتخب جمع می‌کنیم و آن ها را رأی بدهیم که فوراً پس از برخواستن با آنها بیانند بشنبند خیلی سهل تر است اما از بابت اینکه گفته شد که در فلان ولایت هیچ شروع بانتخاب نکنند بنده عرض می‌کنم که در دو درجه شما چه خواهید کرد همان را در یک درجه خواهید کرد اینها جزء انتخابات است مطلبی نیست که ایراد بشود در وقت نوشتن نظام‌نامه مثل اینکه یک کسی اگر و کیل شد و رد و قبولش هیچ معلوم نشد چنانچه الان داریم و کیلی که دد و قبولش شش ماه است معلوم نشد که و کیل است یا و کیل نیست این علت تأثیرش چه بوده است هر چه در باب او می‌شود در باب اینجا هم می‌شود این هیچ دلیل نمی‌شود که بگوئیم زودتر یادبرتر خواهد آن روز می‌گفتید انتخاب یکدربه این و آن را دارد الحمد لله بموقفيت كامله رسیديم ولكن حالاً معتقد نیستم خواهید دید و خواهید دید که یک متن‌تخیلی مجلس بیانند که ابداً آن حقوق مشروطیت و آن حدود آزادی و آن توافق مقدسه و آن موافق موسسه را که از مجلس پیرون مباید نخواهد دانست مگر برای هر یکی که آن طور انتخاب می‌شود یک معاون و قائمی برایش قرار بدهند.

حاج دکتر رضا خان - بنده چون یادم: وابد رفت ابتدا جواب آقای حاج شیخ الرئیس را بدهم بعد شروع کنم باصل مطلب بجهت اینکه بیانات ایشان خیلی مفصل بود و بنده درست فقهیم بدم فقط یک چیزش را بینده باداشت کردم که با این وضع حاله مملکت معارف نیست گویا اشتیام فرمودند مقصودشان گویا عمومی بودن مستقیم وقتیکه نباشد و بملت گفتیم رأی بدene حسن را انتخاب کن آنوقت او قابل انتخاب شده دیگر معارف لازم ندارد معارف در این جا هیچ موضوع ندارد و این جزء عشرط گشته است که کیلشان عالم و بصیر دیبلومه باشد باید بگویند باین شرایط باید انتخاب شود وقتیکه گفتیم و کیل فقط با بدسواد فارسی کافی داشته باشد و متدین باشد و سن سی سال داشته باشد دیگر لازم نیست معارف آنوقت اگر این شرایط را ملحوظ ندارد مجلس یا وزیر یا اولیای امور این هیچ تصریح نیست باید با همان شرایط باشد فرضًا چشم و ابرویش هم قشنگ باشد این دیگر لازم نیست ما این شرایط را فرار بداریم یکی دیگر هم فرمودند که فردا نگویند چرا بیش بینی نکردن و این کار را کرد و سرزنش کنند بکه سرزنش دیگر هم خواهند کرد چرا از تجربه سایه بعضی اطلاعات حاصل نکرده اید که یک نظام‌نامه که با آن عجله و درجه زمانی نوشته شده است که دو هزار محظوظ داشت و بلکه برای تشکیل نشدن مجلس او نظام‌نامه را نوشته و دو مرتبه حاصل بیدا کرد و بوضع اجراء گذاشت اما بینده مجبورم از بابت کمیسیون توضیح بدهم آنروزی که این را بورت آمد مجلس ۴ نفر بیک درجه و ۵ نفر بدو درجه و ۳ نفر بتفصیل قائل شده بودند و روز بعد دونفر از اعضا کمیسیون حاضر شدند و از رأی خودشان عدول کردند و قائل بیک درجه شدند و الان عرض می‌کنم که اسکنریت کمیسیون در یک درجه است و اگر بیک درجه دو روز دیرتر به مجلس آمدند بود هیچ لازم بزمحت آقایان نبود و خود این در کمیسیون حل نشده بود آقایان مخصوصاً آقای معزز‌الملک بعضی بیانات فرمودند و ایشان جو خیلی صحیح بفرمایند و سایر آقایان شاید درست تشریح نکردن و شاید ترتیبیکه در حضور وزیر داخله چندین جلسه مذاکره شده است وزیر داخله خودش تصدیق کرد که قریب انتخاب دو درجه هم تولید یک خرسی می‌کرد برای این که نماینده درجه اول بایستی بیک و از هر ۳ نفری دو نفر معروم شدند و خرج ایاب و ذهب بایستی با آنها داده شود و برای این که تولید خرج نشود و طول نکشداز آن محل مستقیماً برگزی باید مملکت نظرش پای تغت و مرکز باشد که هر کس رأساً و کیلش مجلس و مرکز بیانند لهذا تصدیق کرددند که حوزه ها باید کوچک شود برای این که

است که مابین چند نفر ضامن جامع مسئول و بلا حدی برای یک امر تجاری منعقد میشود (ماده از رایوت کمیسیون فوائد عامه).

ماده اول - شرکت خصوصی هیارت از شرکتی است که مابین دونفر یا چند نفر که هر یک بقیدالتزام ضامن کل و مسئول بلا حد هستند برای هر یک امر تجاری منعقد میشود انعقاد این شرکت خصوصی مابین ترتیب است که دوماده ذیل را در شرکت تهات فانوی در ضمن قرار داد بین شرکاء شرط کرده و جمیعاً ملتزم شوند.

بهجهت - عقیده بنده این است که ابتدا بطور کلی اقسام شرکت ها ذکر بشود بعد شروع بشود مابین تعریفات.

رئیسی - در این ماده که مخالف نبودید در این ماده مخالف هم نبودید

هشترودی - بندۀ باعتقادم لفظ کل را تبدیل به جامع کردند گویا باز کافی نیست همان ضامن یکدیگر باشند بهتر است بجهة اینکه آفای مغبر این تقریر را کفر مودند معنا پیش اینست که یکی یکی بتمام آقرض ضامن هستند و هر یکی از آنها را که صاحب قرض بعدهاش را گرفت باید بدهد بعداز آن دوشر که دیگر آن دو تلت دیگر را طلبکاری بکند بندۀ تصور میکنم که ضامن یکدیگر باشند بهتر است و پیشنهاد میکنم که ضامن یکدیگر باشند .

هشترودی - بندۀ یک لفظی را میخواهم بفهم بعداز این شاید بخواهیم عرض بکنم اینکه لفظ کل نوشته‌اند یعنی بمعنی اینکه ضامن یکدیگر نه یا اینکه ضامن کل یک معنی دیگری دارد

همقصر السلطان - مراد از شرکت خصوصی که در اینجا ذکر شده است که هر کدام بقید التزام ضامن کل خواهد بود یعنی این سرمایه که در این شرکت گذاشته‌اند و این شرکت را تأسیس کرده‌اند این خود را شرک خواهند داشت که همچنان

این پیش از معرفی شد و مسأله در این وجوه و معاملاتی که با مردم میکنند که اگر یک وقتی این شرکت در معاملات بمردم مقر وضیش داده باشد نفر شریک کلیه ضامن باشند و مسئول این دین هستند که باید از دارائی شرکت پردازند و اگر چیزی باقی ماند از دارائی شخصی خودشان برای این دینی که از مردم بگردند آنها وارد شده است و مقر وضیش هستند پردازند این ضامن کل عبارت از او است که ضامن کل هستند در مقابل آنقر وض آقاسید حسنه همراه باشد که

کلبات عرض کنم نشد لکن گمان می‌کنم که در اصل فانو نیکه جامعه باشد لفظ جامع بهتر از لفظ کلی است که در کمیسیون نوشته‌اند و همان غرضی داکه فرمودند از این کلمه فهمیده می‌شود یعنی این ضامن‌ش است جامع یعنی کل واحد ضامن هستند که آن قرضی را که کرده‌اند یا می‌کنند از هر کدام که مطالبه کنند باید بدینند این یک عرض دیگر که آن التزام اول آقای مخبر همتفات بفرمائید که مسبوق بشوند آن لفظ اول لازم نیست یعنی آن التزام اول محتاج‌البته نیست بعداز آنکه در ذیل این قانون ملحق فرمودند

که انعقاد این شرکت مخصوص باین ترتیب است که
ماده ذیل را در شرکت نامه قانونی در ضمن قرارداد
بین شرکاء شرط کرده و جمیعاً ملزم شوند این وافی
و کافی است از آن التزامی که در اول ماده علیحده ذکر
کرده اند و محل احتیاجی نیست .

افتخار الواضعین (مخبر) - این لفظی که فرمودند
در خود قانون لفظ جامع بوده است ولی در کمیسیون
اورا مبدل به لفظ کل کردند ، کمیسیون این لفظ
کل را مسترد میدارد و لفظ جامع را قبول میکند
اما اینکه آقای هشت رو دی فرمودند توضیح بدھند
مثل سه نفر هر یکی پنجاه هزار تومان میگذارند و
یک شرکت خصوصی تشکیل میدهند که عموماً سرمایه شان

آقا شیخ حسین یزدی - حاجی شیخ الرئیس - دادخانه رضا خان - آقا سید حسین کزازی - میرزا رضای مستوفی - محمد هاشم میرزا - آقا دادخان - آقا سید محمد باقر ادیب - آقا شیخ ابر زنجانی - نیرالسلطان •
(شعبه دویم)

آقا میرزا ابراهیم خان - آقا سید رضای مساوات - هشت رو دی - آقا محمد بروج مؤمن الملک - ادیب التجار - سلیمان شریف العلماء - دکتر لقمان - آقا میرزا درکن المالک - آقامیرزا رضای نائینی - متین السلطان
(شعبه سوم)

معدل الدواه · منتصر السلطان · دهخواره
کردستانی · آقامیرزا احمد قزوینی · سیدالا
آقامیرزا قاسمخان · تریست · فرزانه · معینال
آقامیرزا مرتضی قلیخان · آقابدالحسین برو ·
اعتصامالملک ·

(شعیه چهارم)

حاجی محمد کریمخان قشقائی · انتظامالع
حاجی آقای شیرازی · صدرالعلماء · وحدتال
طباطبائی · عزالملک · بهجت · دهدزا · علی
معاصنالسلطنه · آفاسید حسین مدرس · آقا
محمد خبابانی ·

ذکارالملک • آقا شیخ غلامحسین • حیدر
افتخاروالاعظین • ارباب کیم خسرو • ضیاءالحمد
دکتر علیخان • حاجی امام جمعه • آقا سید
وصای همدانی • حاج و کیم الرعایا • آقا شیخ
شیرازی • آقامیرزا محمدنجات - معتمدالتجار •

حاج عزالملک . حاجی سید نصرالله .
سید حسین اردبیلی دکتر امیرخان . حاج شیخ ا
لان الحکماء . معزز الملک . آقا سید جنیل .
محمد خان . ابوالقاسم میرزا . حاج شیخعلی خ
آقا میرزا ابراهیم فمی . لوعادالدوله .
رئیس — برای ینچ شعبه هر شعبه ی
اضافه میشود .
شعبه اول - حاج سید ابراهیم شعبه دویم

حضور شعبه سوم - حاج میرزا رضا خان
چهارم - دکتر اسماعیل خان شعبه یانجمناصرالا
رثیس - شروع بقانون شرکت های میشه
مذاکره در کلیات است مخالفی نیست (در
مخالفی نود)

رئیس - رأی میگیریم که داخل در مواد
و چون عده کافی نبست منظر میشویم که عده
شود (دراین موقع عده کافی شد)

رئیس - رأی میگیریم که داخل در مواد
آقایانی که تصویب میکنند قیام نهایند (اگر
نمودند)

ردیمیر -- با کثریت تصویب شد ماد
شروع میشود.
(ماده اول طرح قانونی شرکت ها بعبارت
قرائت شد.)
ماده ۱ -- شرکت خصوصی هیارت از

هزاره هشتم — در صورت مجلس قاطع مدد دور در اینجا میلاده داد فردای آن روز باید کاری حمل بکند و مخارج فوری داشت تصد تو مان حواله میکند بیانک بطور سابق و حواله را رد میکند البته تصدیق خواهید فرمود نک حواله کسیرا که پول پیش او داشته است و بدون اطلاع جای رسمی یعنی بدون این که از وزارت خانه خودش اخطاری برسد و واخورد و با وجود مشهود

برای این که او هم رئیس‌دار و پائی است در اداره
ت باین لحاظ او هزار خیال درباره خودش میگند
کاغذی بوزارت خودش نوشت بعد از آنکه
نه رسید بوزارت فرستادیم بوزارت مالیه و از
بیو شوستر سؤال کردیم که یک همچو چیزی هست
خیر آن وقت اپشان یک لایحه فرستادند با یک
افقی که بله چون اوراقه‌مان حاضر نبود منتظر
نم که اوراقه‌مان که حاضر شد بفستیم بنده خودم

نم او را ملاقات کردم و عرض کردم بهتر این بود
مکنوباً بما مینوشتید یا این که اعلان بیانک را
لیف می‌سکریده تا اوراق چاپ بشود و بادارات
ستیلو خودش هم می‌سندید موگفتند من گمان می‌سکردم
طرف وزارت مالیه این اعلان رسمی بجهة جما
له شده است و همان موافقت وزارت پست و
گراف همراهی کرده است و می‌کند و ابدا از
وزارت پست و گراف همچو تلگرافی بولایات
جمهور است و تمام دهانه را هم عالیه بیانک کرد

از باب کمیسیون را هم گیرفت، است و یولهائی هم خواسته ایم فرستاده ایم که بدهد.

نایب رئیس - دستور جلسه هشتمه ۹ رجب مذکور انتخاب شعب - قانون شرکت ها - شور اول راپورت کمیسیون بودجه راجع بوزیر سید حسن و رضا اسماعیل مجاهد راپورت کمیسیون بودجه راجع حسن خان .

۳۶۹۴ جلسه (مجلس تقریباً ۴ ربع ساعت از ظهر ختم شد) .
صورت مذاکرات روز پنجشنبه
۱۴۲۹ شهر ربیع الاول حج ۱۴۲۹
مجلس ۴ ساعت و ربع قبل از ظهر برپاست
قای مؤمن الملک افتتاح و در ساعت سه قبل از
هر دسمان متعقد گردید — صورت مجلس قبل
ائت گردید .

غائبین جلسه قبیل - بدون اجازه اقا شیخ حسین
دی - دکتر اسماعیل خان - ناصر الاسلام - حاجی
ام جمهور - آقا سید حسن مدرس
غائبین با اجازه آقا شیخ رضا - آقا سید محمد
قر ادیب - ادب التجار .
غائبین از وقت مقرر - آقا میرزا اسدالله
ان ۰۴ دقیقه آقا میرزا ابراهیم فی یک ساعت و
پنج دقیقه
رئیس - آقامحمد هاشم میرزا اظهاری داشتند
رسورت مجلس؟
محمد هاشم میرزا - در اینجا که نوشه

لده است بنده و حاجی شیخ‌علی فائل بنفصبیل در
ظاهرنامه انتخابات بودیم بعد از آن مذاکره قبل
از تنفس فرمایشی که آقای نایب رئیس فرمودند
از تنفس در این خصوص توضیحی دادم او را
شاره‌نکرده اند.

نیمهیت انتخابات رای نداده لهدا ماده دلیل رایی‌شناخت
میکنم که در جزء قانون انتخابات قید نشود.
ماده واحده - انتخابات نمایندگان برای مجلس
قدس در تمام مملکت ایران بطور یک‌درجه و مستقیم
خواهد بود.

تصویب میگنند ورقه سفید بدهند و هر کس که مخالف است ورقه آبی بدهد (او اقدامی اخذ و آقای حاج میرزا رضاخان احصاء نمود) .
رأی دهنده‌گان ۲۰ - رد کنندگان (۳) ورقه لایقره « یک » .

لایب رئیس - باکتریت بتجاه دو رأی تصویب شد که انتخابات یک درجه و مستقیم - این طریق است که از طریق آفی لسان الحکماء در خصوصیات انتخابات مستقیم پیشنهاد شده است و جوع مبتود بگمیسیون آفای وحیدالملک از وزارت پست و تلگراف سؤالی داشته ولی چون ظهر گذشته است میماند بجلسه دیگر .

وحیدالملک - چون مختصر است اجازه بفرمائید هر رض کنم .

فایب رئیس - بفرمائید .
وحید الملک - خاطر آفایان مسبوق است
 که در ۲۳ جوزا یک قانونی از مجلس گذشت که
 بی جمیع آن بعض اختیارات و اقتداءات لازمه بخواهد .

دار کل داده شده است از برای اصلاحات لازمه
ومن جمله یکی از آن اختبارات راجع بود بمرکزیت
جمع و خرج عایدات دولتی و بعد از آنکه آن مواد
از مجلس گذشت خزانه دار کل مسبو شوستر مشغول
شد ببعضی اصلاحات اساسی ادارات مالی و من جمله
اصلاح تمام ادارات دولتی مخصوصاً اداراتی که
عادت دارند که عایدات خودشان را تحويل خزانه

بنمایند و ماه بیان مخارج خودشان را از خزانه به
اعضای خزانه دار کل مسیو شوستر دریافت دارند
بعضی ادارات از این حکم خزانه دار کل که متکی
بود برای مجلس سریچی کردند و از قرار گیری مشنویم
پست خانه دولتی یک تلگراف متحده المضمونی بکلیه
پست خانه های ولایات مخابره کرده است که عایدی
خودشان را بخزانه دار کل ندهند و مستقیماً بعواله
کرد پست خانه مرکزی پردازنده بنده خواستم از
آفای معاون پست و تلگراف سؤال کنم که آیا صحت
دارد و همچو تلگرافی شده است یا خیر ؟ و در صورت
صحت هبئی برچه حکمت و فلسفة بوده است که مستقیماً
مخالفت دارد با موارد قانونی که از مجلس گذشته است

مدعون و راردن پست و نظر را - - بلی
اینچه یعنی کلمه مطلب است که گویا اشتباه شده است
و آن اینست که فرمودند که بعد از اینکه آن قانون
گذشت به تمام ادارات دولتی اعلان کرده اند بدینختانه
اینکار را فکرده بودند و ی . سوء اثری که میدانید
ار همین است والبته همه هم تصدیق میکنند بعد از
آنکه این غفلت از وزارت مالیه شده است و ان
اعلان را نفرستادند بهمه جا رئیس پست تصریح ندارد
ومطابق قانون رفتار نمیکند باین معنی که تمام هایدات
خودش را مطابق معمول سنت ییازک میدهد و
صندوق علیحده ندارد و روز بروز که مخارج فوری
فوتی از برای او ییدا میشود حواله میدهد و روزی

